



khaledh@yahoo.com

### خالد حاج محمدی

خورد مردم داده اند.

اکنون ورق دارد برمیگردد. مردم جمهوری اسلامی عقب رانده و کشتار و زندان راه به جایی نمیرد. مردم کمر همت به نابودی رژیم بسته اند. هر روز در گوشه ای صدای اعتراض مردم بلند میشود و کاخ نشینان اسلامی را به هراس انداخته

## علیه مضحکه انتخابات رژیم در دفاع از انسانیت!

در ایران نه اکنون و نه در طول حاکمیت جمهوری اسلامی انتخاباتی در کار نبوده است. کل موجودیت جمهوری اسلامی خلاف هر نوع حق انتخابی از جانب مردم بوده است. اگر مردم حق انتخاب داشتند اکنون سالها بود که از حکومت مذهبی خبری نبود. اینها موجودیت خود را مدیون به خاک سپردن هر نوع اعمال حقی از جانب مردم میدانند. نه اکنون و نه در تمام سالیان گذشته مردم خواهان جمهوری اسلامی نبوده اند. ۲۶ سال تلاش و خرج پول و گرسنگی و بی خانمانی به

جمعه ها منتشر میشود

# کمونیست ۴۵

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۷ خرداد ۱۳۸۴ - ۱۷ ژوئن ۲۰۰۵

www.hekmatist.com

سر دبیر: اعظم کم گویان



koorosh.modarrei@gmail.com

## انفجارات تهران و اهواز در خدمت جمهوری اسلامی است

تنها قیام و اعمال منشور سرنگونی جمهوری اسلامی میتواند مردم را در مقابل خطر اسلام سیاسی و فاشیسم قومی حفظ کند.

انفجارات دیروز در تهران و اهواز تعدادی از مردم بیگناه را قربانی گرفت. این واقعه دردناک را به همه مردم و خانواده های قربانیان آن تسلیت میگوئیم. انفجارات دیروز در تهران و اهواز کار هرکس که باشد مستقیماً در خدمت جمهوری اسلامی است. تروریسم عریان است که مردم را قربانی میگیرد، فضای جامعه را پلیسی و میلیتاریزه میکند، نفرت قومی را دامن میزند و مردم را به رو در رویی با رژیم میکشاند که امروز به نفع جمهوری اسلامی تمام میشود. مردم ایران جمهوری اسلامی را نمیخواهند و در کار سرنگون کردن آن هستند امروز دیگر شکست کامل نمایش انتخاباتی جمهوری اسلامی اجتناب ناپذیر است. تنها امکان برای اضافه کردن عمر جمهوری اسلامی بوجود آوردن یک فضای پلیسی و نظامی و عقب زدن مردم است. کاندید اصلی ارتکاب این انفجارات خود جمهوری اسلامی است. اما چه جمهوری اسلامی بانی این انفجارات باشد و چه دار و دسته های فاشیستی قومی،

### کوروش مدرسی

فرقی نمیکند. مردم باید با قدرت در مقابل این جنایتکاران به ایستند و خود آن ها را از میدان پهدر کنند.

مردم! هوشیاری شما در مقابل توطئه های جمهوری اسلامی، دار و دسته های اسلامی یا فاشیستی و مقابله تان با همه این دارودسته های سیاه اسلامی و قومی میتواند ضامن ممانعت از بهم خوردن زندگی مدنی در ایران شود. مهمترین و موثرترین ابزار حضور قدرتمند شما در صحنه سیاسی، سرنگونی جمهوری اسلامی و پاک کردن کل دارو دسته های اسلامی و قومی فاشیست از جامعه توسط قیام و اعلام مفاد منشور سرنگونی جمهوری اسلامی است. این واقعیت را ما بارها توضیح داده ایم و امروز آن را در مقابل خود مبینید. اسلام و فاشیسم قومی و کانگسترهای سیاسی را تنها مردم مسلح و در میدان میتوانند خنثی کنند.

مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد سوسیالیسم

## اطلاعیه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست ناصر زرافشان و کلیه زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند

خود را کردند که مردم فریبی کنند، اوضاع را کنترل کنند، دائماً بر قانونگرایی، قومی بودن و بعضاً حذف مردان از صف خود تاکید کرده و در مقابل رادیکال شدن شعارها و خواسته های زنان و مردان آزادخواه و معترض، از خود در مقابل رژیم سلب مسئولیت کردند. قطعنامه آنها با طرح برخی از زخم ترین بی حقوقی های زنان، حداقلی از مطالبات و حقوق زنان را منعکس کرده بود.

اما فراخوان تظاهرات ۲۲ خرداد محل بروز اعتراض هزاران زن و مرد آزادخواهی شد که با حرکتی خودجوش و گسترده ابتکار عمل را از دست فراخوان دهندگان تظاهرات بیرون آوردند

### پیروزی در گرو چیست؟

خرداد در مقابل دانشگاه تهران برگزار شد، به اعتراض شکوهمند هزاران نفره ای با شعارهای رادیکال و راهپیمایی بزرگ تبدیل شد. نهادها و شخصیت های فراخوان دهنده ادعا می کنند در جامعه ای که پوشش، اشتغال، محل زندگی، تحصیل، رفت و آمد و جزئیات زندگی خصوصی زنان و رابطه زن و مرد تحت حاکمیت یک رژیم اسلامی ضد زن و غدار، تماماً سیاسی است، می خواهند بدون سیاسی کردن اعتراض خود، قانون اساسی را به نفع زنان در ۲۲ تغییر بدهند. اینها تلاش



azam\_kamguian@yahoo.com

### اعظم کم گویان

چشمه ای از سیلاب خروشان جنبش آزادیخواهی زنان چند روز پیش در تهران جوشید و درخشید. تظاهراتی که به دعوت اساساً چند سازمان و شخصیت از نظر سیاسی مجاز و قابل تحمل برای جمهوری اسلامی در اعتراض به نقض حقوق زنان در قانون اساسی در ۲۲

## درباره نسل کشی ۳۰ خرداد سال ۶۰

### ‘دادگاه لازم نیست، درجا بکشید!‘

صفحه ۴

## آزادی، برابری، حکومت کارگری!

ایجاد امکان دخالت مردم ایران در تعیین سرنوشت خود است. انتخابات ما بعد از قیام مردم ایران علیه این رژیم است. اکنون خود جمهوری اسلامی یا گروه‌های فاشیستی و قومی با بمب‌گذاری‌های اخیر عملاً می‌خواهند در این راه مانع ایجاد کنند. این اقدامات جنایتکارانه را باید با اعتراض وسیع علیه جمهوری اسلامی و تمام گروه‌های قومی فاشیستی جواب داد. اینها دیگر امروز راه به جایی نمی‌روند و این اعمال مستقیماً علیه خواست و آرزوهای مردم و خدمت رژیم است و همراه خود جمهوری اسلامی باید جارو شوند. قیام علیه حکومت اسلامی و اعلام و اجرای مفاد منشور سرنوشتی رژیم که ما اعلام کرده ایم تنها راه نجات مردم ایران است. انتخابات ما بعد از جمهوری اسلامی است. قدم اول در این راه خراب کردن مضحکه انتخابات بر سر صاحبان آن با اعتراض وسیع مردم ایران است. این تنها راه دفاع از مردم و دفاع از انسانیت است.

مضحکه انتخابات رژیم عین دفاع از حقوق مردم و انسانیت است. در جمهوری اسلامی بحثی از انتخاب و انتخابات در میان نیست. رژیم تف کردن به بشریت است. تنها راه تضمین حق انتخاب مردم و اولین قدم برای اجرای آن کنار گذاشتن بختک اسلامی است. مردم ایران شایسته زندگی بهتر، مرفه‌تر و انسانیت‌ترند. نباید گذاشت جمهوری اسلامی راحت از این تند پیچ عبور کند. در مقابل این دهنکجی سران جنایتکار جمهوری اسلامی، این ننگ بشریت باید ایستاد. تمام شیرین بودن ماجر در این است که امروز می‌توانیم این کار را بکنیم و این را نباید از بشریت نه تنها در ایران بلکه در کل خاورمیانه دریغ کرد. جمع کردن بساط "انتخابات" این رژیم قدمی جدی به مرگ نزدیک کردن حکومتشان است. شکست جمهوری اسلامی ضربه ای سنگین به کل اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی در منطقه است. این تنها راه تضمین و

باید تلاش کرد در این مناسبت به روشنترین شیوه امیال و آرزوها و خواست مردم نمایندگی شود. مردم ایران جمهوری اسلامی را نمی‌خواهند، این را خود سران رژیم بهتر از هر کس میدانند. تمام هنر این دوره تبدیل این خواست در دل اوضاع بحرانی کنونی به یک حرکت عظیم توده ای است. این قبل از هر کس و جریان، بر ما سوسیالیست‌ها و آزادیخواهان است که مردم ایران را و خواست و آرزوهای انسانی آنها را نمایندگی می‌کنیم. برای این امر شیرین و انسانی باید وسیع‌تری مردم را به میدان کشید. تحریم انتخابات کافی نیست و باید امیال مردم را در دل این مضحکه با اتکا به نیروی خود آنان برآورده کرد. "انتخاباتشان" را باید سرشان خراب کرد. با صدای رسا باید از مردم ایران، از انسانیت، از حق حیات و آزادی و آزادی، از حق انتخاب مردم دفاع کرد. این امر چیزی نیست جز برچیدن "انتخابات" کذایی جمهوری اسلامی و این مقدر و قابل اجراست. به هم زدن

هر ارزیابی که در مورد هر کدام از این اعتراضات داشته باشیم امر مسلم در تمام این مدت، نه گفتن مردم به "انتخابات" آنها بوده است. آنچه در همین مدت کوتاه اتفاق افتاد نشانه تنفر عمیق مردم از این رژیم و تلاش آنها برای کنار گذاشتن این حکومت اسلامی است. مردم جمهوری اسلامی را نمی‌خواهند و در "انتخابات" کذایی آنها هم شرکت نخواهند کرد. انتخاب مردم امروز عیانتر از هر زمانی امروز در جدالی که میان ما مردم و جمهوری اسلامی بر سر رفتن و کنار گذاشتن آن و تلاش سران رژیم برای عبور از این دوره بر تلام و حفظ جمهوری اسلامی در جریان است. عدم شرکت در خیمه شب بازی انتخاباتی آنان گویای خواست واقعی مردم ایران نیست. خواست واقعی مردم ایران خاتمه دادن به عمر ننگین این رژیم و جمع کردن مضحکه انتخاباتی آنان و در هم شکستن تلاش رژیم برای حفظ حکومت اسلامی

است. ۱۶ آذرها، ۸ مارسها، اول ماه مه ها، اعتراضات دانشجویی، معلمان و پرستاران، کارگران و جوانان به مناسبت‌های مختلف تنها گوشه ای از یک موج برگشت ضد اسلامی است. همین مدت گذشته ما شاهد دهها حرکت اعتراضی و رادیکال از جانب زنان، کارگران، جوانان و اقشار مختلف مردم علیه جمهوری اسلامی و در دفاع از حقوق خود بوده ایم. از تهران تا سندیچ، از اصفهان تا مشهد، از دانشگاهها تا کارخانه و کوچه و خیابانهای شهرهای مختلف، جوانه های یک موج ضد اسلامی نمایان است که میتواند بنیادهای حکومت اسلامی را زیر و رو کند.

در این مدت و در رابطه با مضحکه انتخابات اعتراضات زیادی در گوشه و کنار این مملکت از اعتراضات در سندیچ تا تهران و مشهد و اصفهان و دانشگاهها و شهرهای مختلف در جریان بوده است. در تمام شهرها تبلیغات انتخاباتی کادیدهای ریاست جمهوری با تمسخر مردم روبرو شدند. خارج از

پایان دادن به کلیه قوانین و رسوم زن ستیز، و اعلام برابری کامل زن و مرد را در صدر مطالباتش قرار دهد.

با بسیج و متحد کردن میلیونها زن اسیر و محروم خواهان آزادی، جنبش آزادخواهانه زنان به یکی از ارکان اصلی در هم شکستن اسلام سیاسی و ساقط کردن جمهوری اسلامی تبدیل می شود. سیلاب انرژی انقلابی این جنبش تواند نه فقط جمهوری اسلامی را در خود غرق کند بلکه با سرنوشتی جمهوری اسلامی، نوید بخش پاکسازی نکبت اسلام سیاسی از خاورمیانه باشد.

چپ، سوسیالیست و کمونیست در محل بود که برای سخنگویی و بیان مطالبات، برای بلند کردن پرچم برابری طلبی، برای بهم بافتن و متحد کردن زنان در انواع سازمانها و کمپینها و حرکتها، و برای نقشه ریختن و برنامه داشتن برای پیروزی پا به میدان بگذارند، بسازند و ساخته شوند.

این تظاهرات نشان داد که جنبش آزادیخواهی و حق طلبی زنان باید محکم و روشن روی پاهای خود بایستد، جهانی و انسانی فکر و عمل کند، جدایی دین از دولت و آموزش پرورش، لغو حجاب و آپارتاید جنسی و

این بود که جنبش حق طلبی زنان بالقوه رادیکال است و نباید گذاشت گرایشات محافظه کار، راست و قوم پرست بر آن مسلط شوند یا آن را از نفس و رمق بیندازند. این جنبش، شبکه رهبران مجرب و با نفوذ خود در محل را می خواهد، برای پیروزی این جنبش پرچم، مطالبات و تاکتیکهای روشن خود را لازم دارد. این جنبش برای پیروزی به شبکه رهبرانی مسلط که جهانی می اندیشند، انسانی برای حقوق زنان مبارزه می کنند و به کم رضایت نمی دهند، نیازمند است. پیام این تظاهرات، فراخوان به فعالین و رهبران

راهپیمایی هم به آکسیونهای شکرهمند علیه انتخابات جمهوری اسلامی و معین و رفسنجانی تبدیل شد و هرچه تصویر و پوستستر و باندروال انتخاباتی بود پاره و زیر پا له شد. این پاسخ مردم به بی حقوقی زن و به انتخابات رژیم اسلامی بود.

این حرکت اعتراضی که نمودی از ۲۶ سال مقاومت روزمره زنان علیه تحمیل احکام و قوانین ارتجاعی اسلام و تعرض اسلام سیاسی علیه حقوق و حرمت آنان بود، گوشه ای از پتانسیل عمیق چپ و حق طلبانه جنبش برابری خواهی زنان را نشان داد. پیام این حرکت

بطوریکه آنها عملاً نتوانستند سخنرانیهای خود را ایراد کنند. شعارهای انقلابی، محافظه کاری و ضربه گیری شعارهای آنها را خنثی کرد و تعداد هر دم بیشتری از مردم را به صفوف این جوشش اعتراضی کشید. شعارهای "آزادی برابری حق طبیعی ماست"، "ما زنیمن انسانیم شهروند این دیاریم اما حقی نداریم"، "آزادی زندانی سیاسی"، "قانون نابرابر، حقوق ضد بشر، ملغی باید گردد"، "قوانین زن ستیز منشا اختناق است" و مرگ بر دیکتاتور به شعارهای این تظاهرات تبدیل شدند.

[hekmat.public-archive.net](http://hekmat.public-archive.net)

[www.koorosh-modaresi.com](http://www.koorosh-modaresi.com)

به سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست به پیوندید!

## اطلاعیه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

### ناصر زرافشان و کلیه زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند

باز کردن پرونده رژیم اسلامی در برخورد با مخالف سیاسی و سرکوب خونین حق آزادی بی قید و شرط بیان و حقوق مدنی مردم ایران باز کند.

همراه با دفاع از آزادی فوری ناصر زرافشان و مبارزه برای حفظ جان او، باید قاطعانه خواست که مردم ایران و جهانیان در جریان وضعیت و شرایط تمامی دیگر زندانیان سیاسی قرار گرفته و آزادی بلافاصله و بی قید و شرط آنان از زندان مطالبه شود. فشار به جمهوری اسلامی برای آزادی کلیه زندانیان سیاسی نباید لحظه ای قطع شود.

باید فراموش کرد که در پس دیوارهای زندانهای سهمگین جمهوری اسلامی هنوز صدها فعال کارگری و دانشجو و جوان مبارزه و آزادیخواه و انسانهای شریفی به بند کشیده شده اند، که جمهوری اسلامی و رسانه های مختلف خودی و غیر خودی اما مجاز در باره سرنوشت آنان به توطئه سکوت روی آورده اند. قرار گرفتن رفتار زندانبانان جمهوری اسلامی با وکیل مدافع پرونده قتل‌های زنجیره ای در معرض افکار عمومی ایران و جهان، باید دریچه ای را به روی وضعیت کلیه زندانیان سیاسی و به سوی

برابر مردم ایران و در برابر صدها هزار زندانی دیگری است که اکنون حتی گورهایشان هم از بستگان و عزیزانشان پنهان مانده است.

حزب حکمتیست بارها اعلام کرده است که اعتصاب غذا و روی آوری به خودزنی و خودکشی تدریجی، روش و شیوه کارساز و موثری در تقابل با جلادان و دژخیمان اسلامی نیست و اکنون بار دیگر تکرار میکنیم و از ناصر زرافشان هم میخواهیم که به اعتصاب غذای خود و ماراتنی که خود او نیز ماراتن "مرگ" نام نهاده است، پایان دهد.

بگذار زندانی سیاسی با اتکا به حمایت مردم و روحیه رزمنده پیشرو، و به اتکا شور زندگی و روحیه امید به آینده روشن، فرهنگ مرگ و شهادت را به صاحبان و مکتب داران آن واگذارد، بگذار این فرهنگ همراه با حافظان آن به فراموشخانه و موزه تاریخ سپرده شود. اکنون که علیرغم خواست ما، ده روز از اعتصاب غذای ناصر زرافشان میگذرد و او دچار

حمله نیروهای امنیتی رژیم اسلامی در روز چهارشنبه ۲۵ خرداد به تجمع و تحصنی که در حمایت از آزادی ناصر زرافشان در مقابل زندان اوین گرد آمده بودند، باز هم چهره جمهوری اسلامی را در برابر جهانیان گذاشت. در دهمین روز اعتصاب غذای ناصر زرافشان، به معترضین حمله شد و آنها را کتک زدند، دست و سر و پا شکستند و بویژه در این میان علاوه بر خشونت هویتی اسلام سیاسی علیه "زنان" کلمات رکیک و فرهنگ لغات حکومت یک مشت اراذل و اوباش رژیم باز شد و به روی "زن" معترض پرتاب شدند. به اتومبیلهایی که از محل میگذشتند نیز حمله شد، تعدادی از مردم را در حالی که زخمی شده بودند دستگیر کردند و بر خلاف پرو پاگاند و دروغسپردازیهای دوران "مضحکه انتخاباتی" سران جمهوری اسلامی و کاندیدها، جمهوری اسلامی در برابر آرامترین و نرم ترین شعارها و اعتراضها باز هم نشان داد

که واقعا جمهوری اسلامی است. نه خشم و نارضایتی افکار عمومی و نه به خطر افتادن جان ناصر زرافشان در اثر اعتصاب غذا و نه انعکاس رفتار ضد انسانی و شنیع زندانبانان و قضات شرع با زندانیان سیاسی ای که اکثرا گمنام و بی نام نشان مانده اند در رسانه های بین المللی و نه خشم مردم ایران از کارنامه خونین و هولناک بیش از ۲۵ ساله ای که این رژیم با هر مخالف سیاسی و هر زندانی سیاسی طی سالها حاکمیتش از خود نشان داده است، هیچکدام بر سران و زندانبانان رژیمی که بدون قهر و خشونت و جنایت عربان قادر به حکومت نبوده است، تاثیری ندارد. حکومت شمشیر و خون و پاسداری از سلطه یک مشت مفت خور و طفیلی اسلامی است.

رفتار دوائر سرکوب رژیم اسلامی با ناصر زرافشان فقط گوشه کوچکی از تاریخ بی رحمیها و شقاوتهای بنیانگذاران اسلام سیاسی در

مرگ بر جمهوری اسلامی  
زنده باد آزادی، برابری  
حزب کمونیست کارگری  
ایران - حکمتیست  
۱۶ ژوئن ۲۰۰۵  
۲۶ خرداد ۱۳۸۴

منتشر شد:

## منتخب آثار منصور حکمت

در ۱۸۰۰ صفحه شامل اسناد، سخنرانی ها و نوشته های منتشر نشده

ادیتور ایرج فرزاد

قیمت فروش ۲۵ پوند استرلینگ

برای خرید به میزهای کتاب حزب مراجعه کنید یا مستقیماً با ما تماس بگیرید.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

در بزرگداشت دستاوردهای یک زندگی پرگار

منصور حکمت بر نشانه‌های مارکس و لنین ایستاده است. اما قامت خود او به روشنی منتهی است. دولت در دوره‌های انقلابی را کنار دولت و انقلاب نگذارد، بحث رابطه اجزای طبقات و جنبش‌های اجتماعی را کنار ایندولوزی آنگانی قرار دهد و ندای بهتر، برنامه کمونیسم کارگری را با مانیفست مناسبت کند. منوره قامت عظیم منصور حکمت منسود.

قلب منصور حکمت از حرکت ایستاده اما منصور حکمت نمرده است. منصور حکمت با ایده‌هایش با آرمانش و با کنولوسم اش چهره نامآک جنبش‌های آزادی‌خواه و جنبش‌سویالیستی باقی خواهد ماند. زنده باد منصور حکمت

## منصور حکمت

### منتخب آثار

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست  
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

مرگ بر جمهوری اسلامی - زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

## “دادگاه لازم نیست، درجا بکشید!” درباره نسل کشی ۳۰ خرداد سال ۶۰



**حسین مرادیگی**  
(حمه سور)

میشد و درجا کشته میشد.

برای اطلاع بیشتر از این فاجعه، توجهتان را به گوشه هایی از توحش و بربریت اسلامی از زبان معماران و سازماندهندگان این نسل کشی در ایران جلب میکنم. کسانی که این روزها برای کشیدن مردم پای مضحکه انتخاباتی جمهوری اسلامی از دم “دمکرات” شده اند:

موسوی تبریزی دادستان کل انقلاب در مصاحبه ای بمناسبت هفته جنگ که در تاریخ ۲۸ شهریور ۶۰ در روزنامه کیهان چاپ شده است میگوید:

“میدانید که این هفته هفته جنگ است ... همین جنگ نبود، جنگ دیگری هم در داخل بود... در این جنگ (داخلی) ما بیشتر زجر کشیدیم (بیشتر وقت صرف کردیم) تا جنگ با صدام” و ادامه میدهد:

“هرکس کوکتل بدست گرفت و در برابر نظام جمهوری اسلامی ایستاد، اینها محاکمه شان توی خیابان است و وقتی دستگیر شدند و به دادستانی رسیدند محاکمه شده اند و حکمشان اعدام است... هرکس در خیابان در درگیری و تظاهرات مسلحانه دستگیر شود بدون معطلی همان شب دونفر پاسدار یا مردم شهادت بدهند که آنها در درگیری بوده اند و علیه نظام جمهوری اسلامی قیام کرده اند کافی است، و همان شب اعدام میشوند”. روزنامه کیهان ۲۹ شهریور سال ۶۰. باز همین جلال میگوید: “یکی از احکام جمهوری اسلامی این است که هرکس در برابر نظام و امام عادل بایستد کشتن او واجب است، اسیرش را باید کشت و زخمی اش را زخمی تر کرد که کشته شود... این حکم

اگر در گذشته با هزار مصیبت یک خانه تیمی میگرفتند، ما همین دیشب ۵۰ خانه تیمی گرفتیم. بعد رادیو و تلویزیون جیره خوارش را ملامت میکند و میگوید:

“چرا چند کلمه میگویند، آنهم بدون تشکر”.

همراه اینها شبکه وسیعی از وزرا و روسای دادگاههای انقلاب اسلامی، از فرماندهان سپاه و سران اطلاعات گرفته تا شکنجه گران و قمه کشها و موتور سواران حزب الله تا خیل امام جمعه ها تا

مجاهدین انقلاب اسلامی و “خط امامی” های دوآتشه و خاتمی و بهزاد نبوی و محتشمی و جلالی پور و گنجی و باقی و حجاریان و دهها تن دیگر از سران دوم خردادی فعلی، مجریان و مبلغین و مشوقین این مسابقه آدم کشی بودند.

پادوهای توده ای و اکثریتی نیز بعنوان مدافعین نظام جمهوری اسلامی، رهبران اعتصابات کارگری و دیگر فعالین سیاسی مخالف حکومت اسلامی را به مجریان این نسل کشی لو میدادند و معرفی میکردند.

خرداد ۶۰ را نباید از یاد برد، مردم قاتلین خود را می شناسند، جنایتکاران را می شناسند. جمهوری اسلامی را باید با قیام مردم سرنگونی طلب بزیر کشید. مضحکه انتخابات را باید سر این جنایتکاران خراب کرد. باید سازمندهندگان و دستور دهندگان و مجریان این نسل کشی و نسل کشی های بعدی را که سران فعلی جمهوری اسلامی اند دستگیر و در دادگاههای مردمی محاکمه و مجازات کرد. آن روز چندان دور نیست.

بقول معروف بازنشسته شده ایم. اما بالاخره تابع امر امام هستیم. اگر ایشان بفرمایند بله ما قبول میکنیم. حالا در دادگاهها بد کار نمیکنند.

البته اگر ضرورت اقتضاء کند طوری که رفقا نتوانند درست تصفیه بکنند یا در تشخیص مثلا اینکه چه کسی مرتد است، چگونه مهدورالدم است دچار تردید شوند ما حاضریم”. کیهان ۲۹ شهریور ماه سال ۶۰.

رئانی املشی دادستان کل کشور نیز میگفت:

“در صورت لزوم باید مانند امام علی روزی چهار هزار نفر از کفار را سر برید. دیگری نیز میگفت که محدودیت سنی و جنسی برای اعدام وجود ندارد. خمینی نیز در هفته جنگ و آغاز سال تحصیلی ۶۰ میگوید: “علیرغم ادعاها و تذکرات گمراه کننده در مورد اولویت جنگ با عراق، بدرستی سرکوب ضد انقلابیون در درجه اول اهمیت قرار داده شده است.” خمینی به دانش آموزان اخطار میکند که به هیچگونه مبارزه ای علیه رژیم اسلامی دست نزنند بلکه همکلاسی های خود را به پاسداران و کمیته چی ها لو دهند و در مورد محاکمه انقلابیون و آزادیخواهان نیز دستور میدهد:

“بی کم و کاست قرآن کریم را اجرا نمایند”. بعدها خمینی که جمهوری اسلامی را تثبیت شده می بیند، در دی ماه ۶۱ میگوید:

“اکنون حال آرامش است، حال آنست که مردم نسبت به سرمایه هایشان اطمینان داشته باشند، بیایند و سرمایه هایشان را بکار بیاندازند، نترسند، هیچ احدی حق ندارد به سرمایه هایشان دست بزند،

اسلام است. چیزی نیست که ما تازه آورده باشیم”. همانجاگیلانی رئیس دادگاه انقلاب اسلامی نیز چنین میگوید:

“اما محارب بعد از دستگیر شدن توبه اش پذیرفته نمیشود و کیفرش همان کیفری است که قرآن بیان میکند. کشتن به شدید ترین وجه، حلق آویز کردن به فضاحت بارترین حالت ممکن و دست راست و چپ آنها بریده شود... اسلام اجازه میدهد که اینها را که در خیابان تظاهرات مسلحانه میکنند دستگیر شوند و در کنار دیوار همانجا آنها را گلوله بزنند و از نظر اصول فقهی لازم نیست به دادگاه بیاورند... اسلام اجازه نمیدهد که بدن مجروح اینگونه افراد باغی به بیمارستان برده شود بلکه باید تمام کشته شود”. کیهان ۲۸ شهریور ماه سال ۶۰.

سپس در باره پذیرفتن “توبه” میگوید:

“پذیرفتن توبه اینها که (در حالت غیر مسلحانه دستگیر شده باشند) خیلی کار مشکلی است. مگر اینکه حاکم شرع علم پیدا کند... و یکی از علامت توبه اینها این است که اسرار و مراکز سازمان و مرکز تسلیحاتی را نشان دهند”. همانجا.

لاجوردی نیز یکی دیگر از جلدان رژیم آشکارا هدف رژیم را از اعدامهای دسته جمعی فوری چنین بیان میکند: “برای اینکه دیگران از این اعدامها درس عبرت بگیرند و بدانند که اگر در تظاهرات مسلحانه دستگیر بشوند جز اعدام کیفر دیگری نخواهند داشت. خلخالی هم که آنها گام حزب الله داد میزد: “دادگاههای خلخالی ایجاد باید گردد” میگوید: “البته ما کار خود را کرده ایم و

www.marxhekmatsociety.com

به حزب کمونیست کارگری ایران – حکمتیست پیوندید